



سازمان ملل:

داعش به مقاومت خود در ننگرهار و کونړ افغانستان ادامه داده است

اطلاعات روز: آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد در دوازدهمین گزارش این سازمان در مورد تهدیدهای داعش علیه صلح و...

صفحه ۲

کابل‌ناب:

گداهای پیش روی هتل جمیل

صفحه ۳

ملی‌شده‌های یک‌کلید: «جنگ یا بمیر»

در طرحی که تقسیماً توسط حکومت تهویل می‌شود، از ناچاری فقرای افغانستان برای دفاع از پسته‌های امنیتی در برابر حملات طالبان استفاده می‌شود.

صفحه ۵

ابعاد سیاسی سازش‌نامه

تجاری-ترانزیتی افغانستان و پاکستان



صفحه ۸

یادداشت روز

واکسیناسیون همگانی کرونا و لزوم برنامه‌ریزی درست

امروز قرار است اولین محموله واکسن کرونا از هند وارد کشور و در اختیار وزارت صحت عامه قرار داده شود. ۵۰۰ هزار دوز واکسن کمک هند به افغانستان است. هرچند هنوز این واکسن تأییدی رسمی سازمان بهداشت جهانی را ندارد، اما امیدواری‌ها زیاد است که این واکسن تأییدی رسمی را به‌دست آورد. در هر صورت این اولین گام افغانستان برای امکان واکسیناسیون همگانی است. براساس اعلام وزارت صحت افغانستان قرار است پس از تأییدی این واکسن روند تطبیق آن شروع شود. براساس گفته‌های مسئولان در این نهاد افراد معروض به خطر در مرحله اول تطبیق این واکسن قرار دارد.

هنوز رهنمود کلی و یکدست برای واکسیناسیون همگانی وجود ندارد و روشن نیست که اولویت تزریق واکسن با چه کسانی است. هر کشوری براساس شرایط اجتماعی و وضعیت بیماری کرونا تصمیم می‌گیرد اولویت را به چه کسانی بدهد. با توجه به محدودیت واکسن، تصمیم‌گیری صحیح در مورد اولویت دریافت کنندگان بسیار مهم است...

۲



صفحه ۲

هیأت بررسی کننده‌ی حادثه‌ی بهسود یافته‌هایش را به وزارت داخله سپرد

اطمینان صالح به رهبری جمعیت اصلاح: عامل ترور محمدعاطف را پیدا می‌کنیم

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری به رهبری و اعضای جمعیت اصلاح افغانستان اطمینان داده است که عامل ترور...

صفحه ۲

هیأتی از طالبان به ریاست ملا برادر به ترکمستان رفت



صفحه ۲

سه سناتور پیشین هر یک به ده سال زندان محکوم شدند



صفحه ۲

توزار

شرکتی شدن صرافی‌ها؛ تصمیم تازه بانک مرکزی افغانستان واکنش برانگیز شده است

مبارزه با پول‌شویی و تمویل تروریزم روی دست گرفته شده است. دیروز (شنبه، ۱۸ دلو) اعلامیه‌ای از سوی بانک مرکزی به نشر رسیده که در آن آمده است، این بانک به‌منظور مبارزه با پول‌شویی و تمویل تروریزم، | صفحه ۴

صرافان سرای شهزاده در کابل به تصمیم تازه‌ی بانک مرکزی افغانستان اعتراض کرده و دکان‌های خود را بسته‌اند. این صرافان می‌گویند تصمیم بانک مرکزی برای صدور جواز شرکتی برای صرافان نادرست و بی‌عدالتی است. اما بانک مرکزی می‌گوید تصمیم تازه‌اش برای

تحلیل

بهسود و تداوم اولویت‌بندی اشتباه حکومت



کسانی که از شاه‌راه کابل-غزنی عبور و مرور کرده باشند، متوجه چندین ایست‌بازرسی سیار طالبان می‌شوند که روزانه در ساحه مربوط به ولایت میدان وردک وجود دارد. طالبان با آرامش خاطر به تلاشی، اخاذی، اختطاف و قتل مردم عادی می‌پردازند. | صفحه ۴

۳

داستان رمه‌ی گوسفندان و ماین ۴۰ هزاری طالبان خانواده‌ای که هم‌رماه‌اش قربانی ماین طالبان شد و هم غرامت پرداخت کرد

چند سال پیش وقتی چوپان رمه‌ی گوسفندهای خانواده‌ی خیال محمد را از راه عمومی روستای‌شان در ولسوالی چهاربولک بلخ عبور می‌داد، به ماین کنار جاده‌ای افراد طالبان برخورد. ماینی که برای هدف قرار دادن نیروهای دولتی زیر پل جاسازی شده بود، گوسفندهای زبان‌بسته را به هوا بلند کرد و اطراف پل را خون و لاشه‌ی گوسفند گرفت. این رویداد، خسارت سنگین مالی به خانواده‌ی خیال محمد وارد کرد. پس از آن افراد طالبان پشت در خانه‌اش برای گرفتن غرامت آمدند. یخن پدر و پدربزرگ خیال محمد را گرفتند که چرا فکر نمی‌کرده‌اند «مجاهدین زیر پل ماین جاسازی کرده» و رمه‌ی‌شان آن را از هدف منحرف کرده و به هدر داده است. خانواده‌ی خیال محمد ضمن از دست‌دادن دست‌کم ۳۰ راس گوسفند، مجبور شد که...



بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



Info@afghanet.com
+93 (0) 797 777 275

هیأت بررسی‌کننده‌ی حادثه‌ی بهسود یافته‌هایش را به وزارت داخله سپرد

میدان‌وردک به‌خاطر معرفی فرماندهان پولیس ولسوالی‌های حصه‌ی اول و دوم بهسود به آن ولسوالی‌ها رفته بود. طارق آربین، سخن‌گوی وزارت داخله در آن زمان گفته بود که «افراد مسلح غیرمسئول وابسته به علی‌پور با حضور در این ساحات مانع حضور و فعالیت نیروهای امنیتی و پولیس شده‌اند».

به گفته‌ی او، از اثر آشوب زیر نام تظاهرات، شماری از نیروهای امنیتی و پنج تن از باشندگان محل زخمی شده‌اند. همچنان به گفته‌ی او، در جریان درگیری‌ها، نه تن از افراد علی‌پور کشته و هفت نفر دیگر آنها زخمی شده‌اند.

به دنبال آن، دفتر شورای امنیت ملی هیأتی را به‌منظور بررسی همه‌جانبه‌ی این حادثه به ولسوالی‌های حصه‌ی اول بهسود اعزام کرده.



۱۱ غیرنظامی به‌شمول کودکان کشته و ۲۵ غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند. وزارت داخله اما گفته بود که فرمانده پولیس

میدان‌وردک به کابل فراخوانده شده تا در مورد حادثه‌ی بهسود بررسی صورت گیرد. طبق اعلامیه‌ی وزارت داخله، در صورت اثبات هر گونه تخطی، با عاملان آن در روشنائی قانون برخورد صورت خواهد گرفت.

وزارت داخله در مورد یافته‌های هیأت بررسی‌کننده، جزئیات بیشتر ارائه نکرده است.

براساس اظهارات شماری از نمایندگان مردم میدان‌وردک در مجلس نمایندگان، به تاریخ دهم دلو نیروهای امنیتی به رهبری الله‌داد فدایی، فرمانده پولیس میدان‌وردک بر تجمع اعتراضی باشندگان ولسوالی حصه‌ی اول بهسود این ولایت تیراندازی کرده‌اند.

مهدی راسخ، عضو مجلس نمایندگان پیشتر گفته بود که در نتیجه‌ی این تیراندازی‌ها،

اطلاعات روز: وزارت داخله‌ی کشور اعلام کرد که هیأت بررسی‌کننده‌ی حادثه‌ی ولسوالی حصه‌ی اول بهسود نتایج یافته‌هایش را به این وزارت سپرده است.

در اعلامیه‌ی این وزارت که دیروز (شنبه، ۱۸ دلو) منتشر شده، آمده است که هیأت بررسی‌کننده در سفر به ولسوالی حصه‌ی اول بهسود، با متنفذین آن ولسوالی دیدار و اوضاع امنیتی را از نزدیک بررسی کرده است.

در اعلامیه آمده است که وزارت داخله در روشنائی یافته‌های هیأت بررسی‌کننده، موضوع واردشدن تلفات به غیرنظامیان در جریان تجمع اعتراضی در ولسوالی بهسود را به‌گونه‌ی جدی بررسی می‌کند.

وزارت داخله در عین حال گفته است که الله داد فدایی، فرمانده پولیس ولایت

سه سناتور پیشین هر یک به ده سال زندان محکوم شدند

این سه سناتور در تاریخ ۷ جدی به اتهام اخذ رشوه در ولایت بلخ به‌صورت «بالفعل» بازداشت شدند. فرهاد عظیمی، والی بلخ در آن هنگام در یک نشست خبری اعلام کرد که افراد بازداشت‌شده اعضای هیأتی بودند که برای بررسی ادارات عوایدی به بلخ آمده بودند. به دنبال آن، دادستانی کل و ریاست عمومی امنیت ملی نیز در یک اعلامیه‌ی مشترک اعلام کردند که این سه عضو مجلس سنا به اتهام اخذ ۴۰ هزار دالر امریکایی رشوه، به‌گونه‌ی «بالفعل» بازداشت شدند.

رییس‌جمهور اشرف غنی در پی بازداشت آنان، عضویت محمدانور باشلیق و لیاقت‌الله بابکرخیل، از اعضای انتصابی مجلس سنا را لغو کرد.

اطلاعات روز: دادستانی کل کشور می‌گوید که لیاقت‌الله بابکرخیل، محمدانور باشلیق و عظیم قویاش، اعضای پیشین مجلس سنا به اتهام دریافت ۴۰ هزار دالر امریکایی رشوت، هر کدام به ده سال و یک ماه زندان محکوم به مجازات شده‌اند.

دادستانی کل کشور دیروز (شنبه، ۱۸ دلو) با نشر خبرنامه‌ای گفته است که این اعضای پیشین مجلس سنا از سوی دادگاه ابتدائیه‌ی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری به‌صورت غیابی محکوم شده‌اند.

به نقل از خبرنامه، این دادگاه هر کدام آنان را علاوه بر ده سال و یک ماه زندان، به پرداخت ۴۰ هزار دالر امریکایی طور تضامن نیز محکوم به مجازات کرده است.

سازمان ملل:

داعش به مقاومت خود در ننگرهار و کتر افغانستان ادامه داده است

وابستگی و روابط فامیلی داشته است. طبق این گزارش، داعش همچنان امیدوار است تا با ادامه‌ی ناامنی‌ها در مناطق اصلی خود در عراق و سوریه، جنگ‌جویانش را دوباره احیا کند.

رییس‌جمهور اشرف غنی در ماه عقرب سال ۱۳۹۸ خورشیدی در سفری به ننگرهار از شکست کامل داعش در شرق کشور خبر داده و آنرا دست‌آورد بزرگ برای افغانستان و منطقه دانسته بود.

اما از آن زمان تا کنون، هر از گاهی از فعالیت جنگ‌جویان گروه داعش در ولایت‌های شرقی از جمله ننگرهار گزارش شده است. مقام‌های محلی در ننگرهار نیز بارها از بازداشت مسئولان داعش در این ولایت خبر داده‌اند.

ادامه داده است. براساس یافته‌های این گزارش، در حال حاضر بین ۱۰۰۰ تا ۲۲۰۰ جنگ‌جوی گروه داعش در ولایت‌های مختلف افغانستان حضور دارند و احتمال می‌رود که در آینده مراکز بزرگ‌شهرها از جمله کابل را هدف قرار دهند.

در این گزارش آمده است که شهاب‌المهاجر از ماه جون سال گذشته‌ی میلادی رهبری گروه داعش را بر عهده گرفته و عملیات این گروه را در افغانستان، بنگلادیش، هند، مالدیف، پاکستان، سریلانکا و کشورهای آسیای میانه رهبری می‌کند.

همچنان در این گزارش آمده است که شهاب‌المهاجر پیشتر با شبکه حقانی



در بخشی از این گزارش آمده است که گروه داعش باوجود عقب‌نشینی، همچنان به ایجاد مشکل در روند صلح افغانستان

اطلاعات روز: آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد در دوازدهمین گزارش این سازمان در مورد تهدیدهای داعش علیه صلح و امنیت بین‌المللی، گفته است که این گروه علی‌رغم تضعیف توانایی‌های نظامی‌اش، به مقاومت خود در ولایت‌های ننگرهار و کتر افغانستان ادامه داده است.

در این گزارش آمده است که گروه داعش برای تسخیر و کنترل جغرافیای قابل توجهی در ولایت‌های ننگرهار و کتر با چالش‌هایی مواجه است، اما مسئولیت شماری از حملات مهم اخیر از جمله حمله بر یک زایشگاه در کابل، حمله بر زندان شهر جلال‌آباد و قتل ملاله میوند، یک خبرنگار زن در ننگرهار را بر عهده گرفته است.

اطمینان صالح به رهبری جمعیت اصلاح: عامل ترور محمدعاطف را پیدا می‌کنیم

او همچنان نوشته است: «ترور رهبر جمعیت اصلاح شباهت زیاد با ترور عبدالله عزام در پشاور دارد. کسانی که تاریخ را می‌دانند این ظرافت و باریکی را زود درک می‌کنند.» عبدالله عزام یک روحانی فلسطینی بود که الهام‌بخش جوانان عرب بود و آن‌ها را برای جنگیدن در میدان جنگ افغانستان علیه اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۸۰ بسیج کرد. او در سال ۱۹۸۹ میلادی در پاکستان ترور شد.

محمدعاطف، رییس کمیته رهبری جمعیت اصلاح در چهاردهم دلو در انفجاری در کابل کشته شد. قتل او واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال داشت. محمدعاطف ۵۷ سال داشت و از ولایت تخار در شمال‌شرق افغانستان بود. او در دانشگاه دعوت جهاد پاکستان تحصیل کرده بود و اخیراً در مقطع دکترا در تاجیکستان مشغول آموختن بود.

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری به رهبری و اعضای جمعیت اصلاح افغانستان اطمینان داده است که عامل ترور محمدعاطف، رییس کمیته رهبری این سازمان را پیدا خواهند کرد.

آقای صالح صبح دیروز (شنبه، ۱۸ دلو) در نودوپنجمین یادداشت جلسات شش‌ونیم میثاق امنیتی کابل همچنان گفته است که هیچ چیزی تا آخر پنهان نمی‌ماند و امکان پنهان ماندن نیز وجود ندارد.

صالح از هیأت رهبری و اعضای جمعیت اصلاح افغانستان خواسته است که لبه‌ی تبلیغات‌شان را بر ضد دشمن که به گفته‌ی او، حلقات شیطانی و فتنه‌طلب و حامیان‌ش هستند، بگرداند.

هیأتی از طالبان به ریاست ملا برادر به ترکمنستان رفت

اسلامی در نتیجه‌ی مذاکرات صلح، صحبت کرده بودند. شیرمحمدعباس استانکزی در یک نشست خبری در مسکو گفت که اگر مذاکرات صلح به موفقیت بیانجامد، حکومت اشرف غنی از بین می‌رود و یک حکومت جدید اسلامی روی کار می‌آید.

در پی این اظهارات استانکزی، ارگ ریاست‌جمهوری به آن واکنش نشان داد. دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری گفته بود که دوره‌ی کار رییس‌جمهور را قانون اساسی تعیین کرده است.

او افزوده بود که رییس‌جمهور کنونی پس از تکمیل دوره‌ی کار خود قدرت را به کسی می‌سپارد که براساس آرای مردم انتخاب شده باشد.



قطر به روسیه رفته بودند. این هیأت‌های طالبان در جریان سفرشان به این کشورها، در مورد ایجاد حکومت جدید

مردوف، معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه‌ی ترکمنستان و شماری دیگر از مقام‌های این کشور دیدار کرده است.

براساس معلومات سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان در قطر، دو طرف در این دیدار در مورد موضوعات دوجانبه، وضعیت کنونی، روند صلح، روابط بهتر میان افغانستان و ترکمنستان، امنیت مرزها، پشتیبانی از پروژه‌های ترکمنستان در افغانستان، آزادی زندانیان و امور آموزشی و صحتی بحث و تبادل نظر کرده‌اند.

این سفر هیأت گروه طالبان به ترکمنستان درحالی صورت می‌گیرد که در تاریخ ۷ و ۹ دلو دو هیأت این گروه به رهبری ملا عبدالغنی برادر به ایران و شیرمحمدعباس استانکزی، معاون سیاسی دفتر این گروه در

اطلاعات روز: ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی و رییس دفتر طالبان در قطر در رأس هیأتی از این گروه به ترکمنستان رفته است.

محمدنعیم، سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان در قطر در توییتی نوشته است که این سفر دو روز پیش (جمعه، ۱۷ دلو) به دعوت رسمی مقام‌های ترکمنستان صورت گرفته است.

به گفته‌ی او، ملا برادر و هیأت همراهش قرار است در دیدار با مقام‌های ترکمنستان در مورد موضوعات دوجانبه میان افغانستان و ترکمنستان، روابط تجارتي، تحولات سیاسی و دیگر موضوعات گفت‌وگو کنند.

او در یک رشته‌توییت دیگر نوشته است که ملا برادر و هیأت همراهش دیروز با رشید

به همین دلیل حتا کشورهای با نظام بهداشتی قوی که دسترسی بسیار خوبی به واکسن و پشتیبانی وسیعی دارند، برای برنامه‌ریزی واکسیناسیون همگانی از تمام ظرفیت‌شان برای مدیریت این روند کمک می‌گیرند.

برای کشورهای مثل افغانستان مدیریت همگانی واکسیناسیون کرونا دشواری مضاعفی دارد. افغانستان باید دوزهای بیشتر واکسن را از کشورها، نهادها و سازمان‌های خیریه کمایی کند. این کار آسان نیست، زیرا یکی از نگرانی‌ها دستیابی عادلانه‌ی کشورهای ضعیف و دچار مشکلات مالی به واکسن کرونا است.

در واقع یکی از نگرانی‌های اصلی سازمان بهداشت جهانی همین موضوع است. طرح کوکس سازمان بهداشت جهانی برای پاسخ به همین نگرانی است. بر مبنای این طرح، سازمان جهانی بهداشت با همکاری سازمان‌ها و خیریه‌های جهانی واکسن و پیشگیری از

همه‌گیری، سازوکاری را به راه انداخته است که هدف آن کمک به خرید و توزیع عادلانه واکسن کرونا است. برای افغانستان بسیار حایز اهمیت است که برای چگونگی به‌دست‌آوردن دوزهای بیشتر واکسن کرونا برنامه‌ریزی کند.

در واقع مشکل‌ترین بخش تطبیق همگانی واکسیناسیون کرونا در افغانستان اولویت‌بندی کسانی است که براساس شرایط اجتماعی و وضعیت بیماری کرونا در صف اول دریافت واکسن قرار گیرند. دو تا مشکل عمده وجود دارد: اول، نیازسنجی نزدیک به واقعیت هنوز صورت نگرفته و وزارت صحت و نهادهای افغانستان به درستی نمی‌دانند چه بخش از جامعه و چه شغل‌هایی در اولویت هستند.

بدون اغراق هیچ نهادی مسئول تحلیل دقیقی از گروه‌ها آسیب‌پذیر و شکننده در افغانستان در اختیار ندارند. ممکن است وزارت صحت براساس برخی ملاحظات یا در تقلید از برخی کشورها، گروه‌هایی را در اولویت قرار دهند. اما نگرانی این است که ممکن این اولویت‌بندی دقیق و درست نباشد. مشکل دوم، مسأله‌ی فساد، دخالت و زورگویی در کار نهادهای صحتی است. این نگرانی بسیار جدی است

که گروه‌های دارای اولویت فراموش شوند و مسأله‌ی فساد و دخالت، روند درست و منطقی واکسیناسیون را منحرف کند.

از آغاز مدیریت مبارزه با کرونا ضعیف بود. به‌دلیل این ضعف مدیریتی بسیاری از بیماران با علائم چند درصد بیماری و پس از روزها سرگردانی پشت دروازه شفاخانه‌ها یا تسلیم مرگ می‌شدند یا بدون پاسخ به امان خدا رها می‌شدند. اما کیت‌های تشخیصیه سفارشی به پشت دروازه مقام‌ها و افراد زورمند فرستاده می‌شدند. دست‌کم اولویت تشخیصی با کسانی بودند که از مقام‌های بالاتری سفارش می‌شدند. این مشکل مخصوصاً در موج اول کرونا که هم بیماری تمام کشور را در حال فراگیری بود و هم افغانستان با کمبود کیت

و امکانات تشخیصیه مواجه بودند، بسیار برجسته بود. معیار تشخیص حال بیمار نبود. این ناهماهنگی در تمام بخش‌های مدیریتی بحران کرونا در افغانستان حکم‌فرما بود. مثلاً اگر به برنامه مقابله‌ی دولت با گرسنگی و گرانی ناشی از کرونا نگاه شود، ضعف مدیریت و دستپاچگی نهادهای مسئول بیشتر روشن می‌شود که چگونه فساد باعث شد شهروندان همه مشکل و سختی بحران کرونا به تنهایی

بر دوش بکشند. وزارت صحت عامه برای واکسیناسیون همگانی کرونا نباید دچار دستپاچگی و تسلیم خواست‌های زورمندان بیرون و درون حکومتی شوند. باید گروه‌ها براساس نیاز افغانستان و ضرورت علمی واجد دریافت واکسن شناخته و اولویت‌بندی شود. همچنان برای دریافت دوزهای بیشتر با نهادها و کشورهای کمک‌کننده لابی‌گری شود. خوشبختی افغانستان در این است که وضعیت فعلی کرونا در افغانستان بسیار بحرانی نیست.

روزانه در آمار مبتلایان به کرونا و قربانیان این بیماری در کشور کاهش قابل ملاحظه‌ای رخ می‌دهد. با گرم‌شدن هوا وضعیت از این هم بهتر می‌شود. بنابراین، با برداشته‌شدن حجم شیوع و همه‌گیری بیماری، نهادهای مسئول این فرصت را دارند که با درس از یک سال تجربه ناموفق در عرصه مقابله با بحران کرونا دست‌کم در کارزار واکسیناسیون همگانی این بیماری درست‌تر عمل کنند.



عکس آرشیوی است

داستان رمه‌ی گوسفندان و ماین ۴۰ هزاری طالبان

خانواده‌ای که هم رمه‌اش قربانی ماین طالبان شد و هم غرامت پرداخت کرد

عابر شایگان

گزارشگر

چند سال پیش وقتی چوپان رمه‌ی گوسفندهای خانواده‌ی خیال‌محمد را از راه عمومی روستای‌شان در ولسوالی چهاربولک بلخ عبور می‌داد، به ماین کنار جاده‌ای افراد طالبان برخورد. ماینی که برای هدف قراردادن نیروهای دولتی زیر پل جاسازی شده بود، گوسفندهای زبان‌بسته را به هوا بلند کرد و اطراف پل را خون و لاشه‌ی گوسفند گرفت. این رویداد، خسارت سنگین مالی به خانواده‌ی خیال‌محمد وارد کرد. پس از آن افراد طالبان پشت در خانه‌اش برای گرفتن غرامت آمدند. یخن پدر و پدربزرگ خیال‌محمد را گرفتند که چرا فکر نمی‌کرده‌اند «مجاهدین زیر پل ماین جاسازی کرده» و رمه‌ی‌شان آن را از هدف منحرف کرده و به هدر داده است. خانواده‌ی خیال‌محمد ضمن از دست‌دادن دست‌کم ۳۰ راس گوسفند، مجبور شد که ۴۰ هزار افغانی قیمت ماین بشکهای منفجرشده‌ی طالبان را نیز به آن‌ها بپردازد. این تنها بخشی از بدبباری‌های خانواده‌ی خیال‌محمد امرخیل است. از سال ۱۳۹۴ به بعد دو عضو خانواده‌ی ۱۲ نفری او بر اثر جنگ‌های گروه طالبان با نیروهای دولتی کشته شده و یک عضو دیگر آن به‌شدت جراحت برداشته است.

جنگ اولین قربانی‌اش را در ماه ثور ۱۳۹۵ از خانواده‌ی خیال‌محمد گرفت. محمدآجان ۲۲ ساله، پسرعموی او وقتی با بیل دست‌داشته‌اش، داشت روی زمین‌های کشاورزی کار می‌کرد، تیر خورد. تیری که معلوم نبود از کدام سمت به او شلیک شده بود. اما سه شبانه‌روز بود که میان نیروهای دولتی و جنگجویان طالبان درگیری شدید جریان داشت، طوری که خانواده‌ی او نمی‌توانست به محل مرگ محمدآجان برود و جسدش را انتقال دهد. «سه شبانه‌روز دنبالش گشتیم و با کمک ریش‌سفیدان محل توانستیم جسدش را بیاوریم. مرگ او روی خانواده‌ام خیلی تأثیر گذاشت، چون اولین قربانی خانواده‌ی ما بود.» سه سال بعد از این اتفاق، در یکی از روزهای ماه حمل ۱۳۹۸ اعضای خانواده‌ی خیال‌محمد هر کدام در اتاق‌های خانه سرگرم کاری بودند اما عمویش شکرالدین روی حویلی داشت قدم می‌زد. گلوله‌هاوانی انگار از غیب رسید و در وسط حیاط منفجر شد. شکرالدین فقط چند لحظه بدون این‌که بتواند حرفی بزند، زنده ماند و بعداً به‌عنوان دومین قربانی خانواده‌ی خیال‌محمد، جان داد. یک سال بعد از این اتفاق، برادر بزرگ‌تر او با دوستش روی زمین‌ها داشتند کار می‌کردند که هدف یک هواپیمای بدون‌سرنشین قرار گرفت. این بار اما خانواده‌ی خیال‌محمد شناس آورد و سومین عضو خانواده زنده ماند. حالا درد زنده‌ماندن

برادری که بعد از آن حادثه معلول شده برای خیال‌محمد سخت‌تر از جان‌دادنش است: «ولی درد و رنج زخمی شدن و معلول شدنش برای ما سخت‌تر از هر چیزی است. هر لحظه که می‌بینیم دردش برای ما تازه می‌شود.» چهاربولک در شرق ولایت بلخ، یکی از نام‌نترین ولسوالی‌های این ولایت است. در چهار سال گذشته جنگ شدید میان نیروهای دولتی و گروه طالبان رخ داده است. جنگی که بیش از همه مردم این منطقه، هزینه‌ی آن را پرداخت کرده‌اند. بعد از سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ خورشیدی که این ولسوالی ناامن شده و گروه طالبان در آن به‌طور گسترده نفوذ کرده، منطقه و روستای خیال‌محمد امرخیل روی خوشبختی را ندیده است. او وقتی از وضعیت مناسب روستای‌شان قبل از آمدن دوباره‌ی طالبان حرف می‌زند، در نگاه و صدایش حس افسوس گذشته‌ی از دست‌رفته پیدا می‌شود. انگار می‌خواهد به جای همه‌ی کلمات، شعری از انوری بخواند:

آخر افسوس مان بیاید از آنک
ملک در دست مشت‌افسوسی است
می‌گوید قبل از این‌که منطقه‌شان تحت کنترل طالبان قرار گیرد، همه‌ی اهالی روستا زندگی خوب و رو به پیشرفتی داشتند. دولت روی تپه‌ی بلندی، مکتبی با نما و رنگ شادی برای دختران و پسران روستا ساخته بود. خیال‌محمد امرخیل مثل بسیاری از کودکان

روستای‌شان در همین مکتب درس خواند و به دانشگاه بلخ راه یافت. پس از فارغ‌شدن اما جنگ و ناامنی آرزوی یافتن شغل و داشتن درآمد را ظاهراً برای همیشه از او گرفته است. حالا او بعد از دست‌دادن دو عضو خانواده و معلول شدن برادر بزرگ‌تر، به‌عنوان سرپرست خانواده باید روی زمین‌های کشاورزی‌شان کار کند.

طالبان بعد از سال ۸۸ آهسته‌آهسته از طریق مبلغان دینی در روستای خیال‌محمد نفوذ کردند. آن‌ها از در اسلام وارد می‌شدند و مردم را به فاصله‌گیری از «دولت کافر» تشویق می‌کردند. آن‌ها به مردم وعده‌ی یک نظام اسلامی و عادلانه را می‌دادند. نظامی که از نظر آن‌ها در آن هیچ کسی، هیچ مشکلی نخواهد داشت. اما وقتی گروه طالبان کنترل چهاربولک را به دست گرفت، خبری از آن وعده‌های دل‌خوش‌کننده نبود. مردم با چهره واقعی آن‌ها مواجه شدند. به گفته‌ی خیال‌محمد، حالا طالبان کار را به جایی رسانده‌اند که همه‌ی کودکان از حق آموزش محروم شده‌اند. مکتبی که او و بسیاری از کودکان در آن درس خوانده بودند و در حیاط آن گل و نهال کاشته بودند، اکنون تبدیل به مخروبه شده است. در و پنج‌ره‌ی آن شکسته و روی دیوارهای رنگی آن تنها سوراخ‌های به‌جامانده از گلوله باقی مانده است. تعداد کمی از پسران مخفیانه به شهر مزار شریف می‌روند و درس می‌خوانند. دختران اما فقط تا سن ۹ سالگی اجازه دارند که در مساجد درس دینی بخوانند. همچنین افراد طالبان از کلینیک روستای آن‌ها به‌عنوان اداره‌ی گمرک استفاده می‌کنند وقتی موترهای باربری مزارشریف-شبرغان از آن‌جا عبور می‌کند از رانندگان آن‌ها پول می‌گیرند.

«حالا که گروه طالبان در همه جا نفوذ کرده

و منطقه را تحت کنترل خود گرفته به مردم ظلم می‌کند. مردم مشکلات زیادی دارند. از مردم ملکی برای اهداف نظامی‌شان استفاده می‌کنند. از دانش‌آموزان گرفته تا دهقانان و مردم عام. مردان باید علوم و آموزش‌های عصری مثل انگلیسی و کمپیوتر را مخفیانه بخوانند.»

خیال‌محمد به‌عنوان عضو شبکه‌ی ملی قربانیان جنگ می‌گوید که مردم چهاربولک دیگر طاقت کشیدن بار این جنگ را ندارند و چشم‌به‌راه صلح‌اند. صلحی که از نظر او حالا در مسیر درستی پیش نمی‌رود: «در مذاکرات صلح که میان هیأت‌های افغانستان و گروه طالبان در دوحه جریان دارد قبل از هر چیزی باید روی آتش‌بس سراسری توافق شود. بعداً در این مذاکرات برای تأمین صلح پایدار، قربانیان جنگ افغانستان که هزینه سنگین جنگ را پرداخته‌اند، باید حضور داشته باشند.»

شبکه‌ی ملی قربانیان جنگ به کمک موسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان ایجاد شده و چند ماه قبل در کابل اعلام موجودیت کرد. اعضای این شبکه از هشت حوزه‌ی جغرافیایی افغانستان هستند و از دو طرف مذاکره‌کننده می‌خواهند که آن‌ها را در روند مذاکرات صلح وارد کنند.

دور دوم مذاکرات در ۱۷ جدی میان هیأت افغانستان و گروه طالبان در دوحه قطر در حالی از سر گرفته شد که خشونت‌ها در افغانستان شدت گرفته و مذاکرات هم پیشرفتی نداشته است. از نظر خیال‌محمد ۲۳ ساله، شکست این بن‌بست فقط با اعلام آتش‌بس ممکن است. او معتقد است که «همزمان نمی‌شود در یک دست هم آب گرفت و هم آتش».

نکته: خیال‌محمد امرخیل به‌دلیل مسائل امنیتی نخواست که عکسی از او در این گزارش نشر شود.



دور دوم مذاکرات صلح میان هیأت افغانستان و گروه طالبان که در ماه جدی در دوحه آغاز شد، پیشرفتی نداشته است. عکس: آرشیو

کابل‌نان

گداهای پیش روی هتل جمیل

سهراب سروش

که کجا زندگی می‌کند؟» گفتم دوست دارم قصه‌ی این آدم‌ها را بدانم. گفت: «بیا که مه بریت قصه کنم. اونو خواجه ره می‌بینی؟ - به پیرمرد نابینا اشاره کرد - او پنجاه سال اس که در اینجا گدایی می‌کنه. خانه‌اش در چهل‌ستون است. دو تا خانه داره، موتر مودل جدید داره. هله بخیر، قابلی، پاچه، پلو، کباب، کرایه...» به پیشانی هتلش نگاه کردم. دیدم مردی در طبقه‌ی دوم کباب پکه می‌کند. هیچ لوحه‌ای در آن‌جا نصب نشده بود. پرسیدم: هتل شما چه نام داره؟ با صدای بلند داد زد: «هتل جمیل با بهترین غذاهای افغانی، از قبیل کباب، کرایه، قابلی، پلو، پاچه، منو، مولونگ و داشی در خدمت مهمانان عزیز می‌باشد.» دکمه‌های بالاپوشم را بستم. دست‌انم را داخل جیب‌های دو طرفش فرو بردم و به سمت سرای زیرزمینی حرکت کردم تا در آنجا تاکسی‌های پل سرخ را سوار شوم. همین‌طور که از میان جمعیت خروشان راهم را باز می‌کردم، به چیزهای دوری می‌اندیشیدم. یک دفعه کسی چند بار به شانام ضربه زد. برگشتم دیدم که نوجوانان پکتیایی با دست‌ان دراز و گردن‌های کج خیرات می‌خواهند. ناگزیر مثل مستخدم هتل با خشونت تهدیدشان کردم. برگشتند. این‌جا کابل جان است.

وقتی متوجه شدم پای خشونت در میان است، پا پس کشیدم و دورتر رفتم. جوانان پکتیایی تا آن طرف سرک فرار کردند. از آن طرف سرک با علامت و اشاره همچنان تقاضا داشت که برای‌شان خیرات بدهم. مستخدم همچنان مینوی هتلش را با داد و فریاد اعلان می‌کرد و نیز با مستخدم هتل دیگر که نیز مثل او از یاد مینو می‌خواند، مذاق می‌کردند. نوجوانان پکتیایی نه چشم از من برمی‌داشتند و نه جرأت داشتند این طرف بیاید. من هم دیگر به آن‌ها توجه نکردم، متوجه یک زن چاق جوگی شدم که روی به روی پیرمرد نابینا وسط پیاده‌رو چمپامته زده بود. برآمدگی سینه‌هایش بیش از حد معمول بزرگ بود، ولی شکمش بسیار بزرگ‌تر. دو کودک خردسال نیز همراهش بود. یکش در آغوشش خوابیده بود و دیگری در اطرافش بازی می‌کرد. هر دو وسط چله‌ی زمستان نه کفشی داشتند و نه تنبانی. آنان آدم را به یاد کودکان قحطی‌زده‌ی آفریقایی تبار می‌انداخت.

رفتم نزدیک آن خانم و سر صحبت را با او باز کردم. داشت قصه می‌کرد که در چهارراهی قنبر زیر خیمه‌ها زندگی می‌کنند که مستخدم رستوران نزدیک شد و وسط اعلان فهرست غذاهایش قوس باز کرد: «چه کار داری لا

نمی‌کنی او جوان؟ حیف نیست با این قد و قامت گدایی می‌کنی؟ از سر و صورت‌شان، از شرم و ترسی که در رفتارشان حس می‌شد، مشخص بود که روستایی هستند. فارسی را به سختی و با ته‌لهجی غلیظ پشتو حرف می‌زدند. به من تفهیم کردند که کار نیست. پول نان خود را نداریم. حتا جای نداریم که بخوابیم. وقتی پرسیدم شب‌ها کجا می‌خوابید؟ گفت در یک مسافرخانه در پل‌خشتی. اگر پول نداشته باشیم، ما را در هتل نمی‌ماند. پرسیدم خانه‌تان کجاست؟ گفت ما از ولایت پکتیا آمده‌ایم. بیست روز بیشتر نمی‌شود که آمده‌ایم. هر سه از خانه فرار کرده بودند و حالا در آن‌جا خیرات، خیرات و کمک، کمک می‌گفتند! در همین حال مردی درشت‌هیکلی که تمام آن مدت راه عابران را سد می‌کرد و داد می‌زد، کباب، کرایه، قابلی، پلو، پاچه، داشی، مولونگ و ... بدون این‌که داد زدندش را متوقف کند، به ما نزدیک شد و با پنجه به سینه‌ی نوجوان قدلند پکتیایی زد و گفت: «لوده، نام پکتیا ره بد می‌کنی، قابلی، قابلی، قابلی، هله بخیر، کباب، کباب، کباب، گفتم برو گم‌شو، کرایه، پاچه، قابلی، جای فامیلی موجود اس. ای چچه، رنگ ته گم می‌کنی یا نی؟»

کامش نبود، حفره‌ی نیمه‌باز دهانش نیز سیاه معلوم می‌شد. در صورتش جز دو حفری خالی اثری از چشم پیدا نبود. هیچ کسی نبود که از دیدن آن پیرمرد با آن فیگوری که گرفته بود حیرت‌زده نشود. بعضی‌ها وقتی چند قدم از او عبور می‌کردند، ناگهان برمی‌گشتند، با دستانی که جیب‌های‌شان را تلاشی می‌کردند تا سکه‌ی سیاهی کف دست او بگذارند. مرد پول را که روی دستانش حس می‌کرد، فوری آن را در اعماق جیب‌های داخلی چینش فرو می‌برد و دوباره دستش را به حالت اول بازمی‌گرداند. جیب‌های بیرونی چینش پر از نان بود. سه چهار نان را در یک جیبش جا کرده بود و نصف دو تا از نان‌ها از دهان جیب بیرون مانده بود.

سه نوجوان پکتیایی سر جوئی که از کنار خیابان می‌گذشت، ایستاده بودند. به‌نظر نمی‌رسید هیچ یک بیشتر از ۱۸ سال سن داشته باشند. با آن هم قدشان از قد مردان رهگذری که از اطراف‌شان در رفت‌وآمد بودند، کوتاه‌ی نداشت. اتفاقاً یکی‌شان یک سر و گردن از همه بالاتر بود. او دست‌ان درازش را پیش هرکسی که دراز می‌گرفت، آن کس گام‌هایش را شتاب بیشتر می‌بخشید. وقتی به‌سوی من دست دراز کرد، گفتم چرا کار

روبه‌روی کتاب‌فروشی‌های «پل باغ عمومی» ساختمان‌های چندطبقه‌ای هست که در طبقه‌ی هم‌کف یکی از آن ساختمان‌ها دو تا هتل کنار هم فعالیت می‌کنند. پیاده‌روی پیش آن هتل‌ها پُرفت‌وآمدترین پیاده‌روی تمام شهر کابل است. چاشت چند روز پیش که از آن‌جا گذر می‌کردم، خیابان پر از جمعیت بود، انگار یک تظاهرات هزاران نفری در جریان بود، اما تظاهرات نبود، آهنگ زندگی در آن‌جا همان‌قدر پرسروصدا و پُرچوش و خروش جریان دارد. دقیق پیش همان هتل‌ها در مساحت دهم‌تری، هفت نفر میان جمعیتی که در هم می‌جوشیدند، گدایی می‌کردند؛ یک پیرمرد نابینا، سه نوجوان روستایی که از پکتیا آمده بودند و یک زن جوگی با دو کودکی که تنبان نداشتند و از کمر به پایین لچ بودند. پیرمرد نابینا وسط پیاده‌روی ایستاده بود و دست‌هایش را طوری از هم باز و رویش را چنان به درگاه قاضی الحاجات بلند گرفته بود که گویی دعا می‌خواند، ولی هیچ کاری نمی‌کرد. مثل مجسمه بی‌حرکت ایستاده بود. کلاه سرخ وطنی بر سر داشت که از اثر چرک سیاه معلوم می‌شد. چپن دراز زردرنگش نیز سیاه معلوم می‌شد، ریش پهن و سفیدش نیز مایل به سیاه معلوم می‌شد و چون دندان‌ی در

معصومه جعفری

گزارشگر

صرافان سرای شهزاده در کابل به تصمیم تازه‌ی بانک مرکزی افغانستان اعتراض کرده و دکان‌های خود را بسته‌اند. این صرافان می‌گویند تصمیم بانک مرکزی برای صدور جواز شرکتی برای صرافان نادرست و بی‌عدالتی است. اما بانک مرکزی می‌گوید تصمیم تازه‌اش برای مبارزه با پول‌شویی و تمویل تروریزم روی دست گرفته شده است.

دیروز (شنبه، ۱۸ دلو) اعلامیه‌ای از سوی بانک مرکزی به نشر رسیده که در آن آمده است، این بانک به‌منظور مبارزه با پول‌شویی و تمویل تروریزم، شرکت‌سازی فعالیت‌های صرافان و عرضه‌کنندگان خدمات پولی را براساس تعهداتشان با شرکای بین‌المللی روی دست گرفته است.

براساس این اعلامیه، تغییر ساختار حقوقی صرافی‌ها و عرضه‌کنندگان خدمات پولی انفرادی به‌صورت شرکت‌ها روند خدمات پولی را برای صرافی‌ها و خدمات پولی آسان‌تر خواهد کرد. براساس اعلامیه بانک مرکزی، جواز شرکت‌ها تابع مالیات ثابت است و به ارائه‌ی بیلاتس سالیانه بانک مرکزی نیاز ندارد. این جوازها که قرار است بدون تاریخ انقضا برای شرکت‌ها صادر شود برای دارندگان آن این فرصت را مهیا می‌سازد که در سراسر کشور نمایندگی‌های خاص خود را ایجاد کنند.

در این اعلامیه، بانک مرکزی از تمامی صرافی‌ها و خدمات پولی در سراسر کشور خواسته است از این روند ملی دفاع کرده و از آن حمایت کنند. براساس معلومات بانک مرکزی، طی چند هفته‌ی گذشته نزدیک به ۱۰۰ جواز شرکتی صادر شده است.

این در حالی است که شورای سراسری صرافان

و خدمات پولی افغانستان دیروز با تجمع در برابر سرای شهزاده از تطبیق این برنامه نگران‌اند و آن را در راستای بهبود وضعیت خدمات پولی و صرافی کشور مفید نمی‌دانند. شورای سراسری صرافان افغانستان به‌منظور ارائه پیشنهاداتشان به مسئولان دیروز (شنبه، ۱۸ دلو) نشست اعتراضی پیرامون رسیدگی به وضعیت صرافان کشور دایر کردند. آن‌ها در اعلامیه‌ای هشت ماده‌ای با بیان مشکلات، خواهان بررسی رسیدگی از سوی مسئولان شدند.

میرافغان صافی، رییس شورای سراسری صرافان با اشاره به مشکلاتی که جامعه‌ی صرافان با توجه به شرایط فعلی کشور متحمل می‌شوند گفت در دیگر ممالک دنیا دولت‌ها به دنبال جذب سرمایه هستند، این در حالی است که در کشور ما این اقدامات موجب فرار سرمایه از کشور خواهد شد: «این اقدامات د افغانستان بانک سبب خروج سرمایه و فرار سرمایه از کشور می‌شود. بانک مرکزی باید سهولت‌هایی را برای صرافان ایجاد کند نه این‌که مشکلات را بیشتر کند.»

تاکنون ۷۰ شرکت در کابل جواز دریافت کرده‌اند. آقای صافی با اعتراض به موضوع ایجاد شرکت‌های صرافی می‌گوید این‌جا افغانستان است، اروپا و امریکا نیست و شرایط این کشور بسیار متفاوت است. صرافان و خدمات پولی با وجود مشکلات عمده‌ای همچون نالمنی در کشور به کارشان ادامه می‌دهند اما بانک مرکزی با خواسته‌های نامعقول، وضعیت آن‌ها را نادیده

شرکتی شدن صرافی‌ها؛

تصمیم تازه بانک مرکزی افغانستان واکنش برانگیز شده است



است و نمی‌توان انتظار داشت که چند نفر یکجا شده و شرکت تأسیس کنند.

او با اعتراض به این اقدام بانک مرکزی می‌گوید اگر جوازهای انفرادی قطع شود، حساب‌های بانکی نیز بسته خواهد شد و همچنین جواز سلاح‌ها نیز گرفته می‌شود.

«همه‌ساله ۴۴۵ میلیون افغانی نهاد صرافان به دولت مالیه می‌پردازد. پول‌شویی یک قانون

فقط در کابل موقعیت ندارند در بسیاری از ولایت‌های افغانستان صرافان با امکانات کم و دانش و تحصیلات پایین کار می‌کنند. او با توجه به اهمیت کار صرافی‌ها می‌گوید افغانستان در وضعیتی قرار دارد که حتا سربازان معاش خود را طریق سیستم حواله‌داری برای خانواده‌هایشان می‌فرستند. از سوی دیگر وضعیت آشفته کشور فضای بی‌اعتمادی را در میان مردم خلق کرده

می‌گیرد.

شورای سراسری صرافان و خدمات پولی افغانستان از مسئولان می‌خواهند تا اخذ جواز شرکت‌های پولی، صرافی‌ها و خدمات پولی را که از سوی بانک مرکزی الزامی شده بود به‌صورت اختیاری در آورند.

هاشم روضه‌ای، سخن‌گوی شورای سراسری صرافان نیز می‌گوید خدمات پولی و صرافی‌ها

بمسود و تداوم اولویت‌بندی اشتباه حکومت

عبدالاحد محمدی



“

وجود تبعیض در مبحث عدالت و توسعه در سایر ولایات نیز این احساس را میان مردم تقویت خواهد کرد که می‌توانند با الهام‌گرفتن از رفتار مردم بهمسود، روند سرپیچی از قدرت مرکزی را تقویت کرده و گسترش دهند.

این حجم از مدارا و شکیبایی با ارزش‌های حکومت و نظام دموکراسی، همواره این مردم از عدالت و امنیت، سهم چندانی نداشته‌اند.

اولویت‌بندی اشتباه حکومت به عنوان یک روند

دولت به جای سرکوب گروه‌های طالبان که بیخ گوش حکومت، آزادانه ایست‌بازرسی ایجاد می‌کند و دست به قتل نیروهای امنیتی و مردم عادی می‌زند، تفنگش را به اشتباه سوی مردم نشانه گرفته است. در جریان حادثه بهمسود به نظر می‌رسد که نیروهای نظامی ولایت به بهمسود رفته تا مردمی را سرکوب کند که طی بیست‌سال گذشته سراپا طرفدار حاکمیت مرکزی بوده‌اند. مردمی که برای تحقق ارزش‌های مردم‌سالار، قربانی‌های بی‌شمار را داده‌اند. این کنش حکومت، بیشتر شبیه همان حکایت ملا نصرالدین است که انگشترش در داخل اطاق گم شده بود، ولی به دلیل تاریکی اطاق، در بیرون دنبال آن می‌گشت. در واقعیت امر، این کار حکومت نمونه برجسته‌ای از روند اولویت‌بندی اشتباه، عقده‌مندانه و متعصبانه حکومت‌های بعد از ۲۰۰۱ نسبت به مسأله بهمسود در کشور می‌باشد که هزینه‌های گزاف و کمرشکن را به ملت ستم‌دیده و جنگ‌زده کشور داشته و فرصت‌های طلایی توسعه و ملت‌سازی را از کشور گرفته است.

بارزترین نوع این ارجحیت‌بخشی اشتباه مرتبط با امنیت در زمان آقای کرزی اتفاق افتاد. زمانی که حکومت مرکزی در اوج قدرت بود و توان سرکوب و یا حداقل مهار و به حاشیه‌راندن

کسانی که از شاه‌راه کابل-غزنی عبور و مرور کرده باشند، متوجه چندین ایست‌بازرسی سیار طالبان می‌شوند که روزانه در ساحه مربوط به ولایت میدان وردک وجود دارد. طالبان با آرامش خاطر به تلاشی، اخاذی، اختطاف و قتل مردم عادی می‌پردازند. بعضی از این ایستگاه‌ها فقط در یکی دو کیلومتری پایگاه‌های اردوی ملی و مراکز عمده منطقه‌ای این ولایت قرار دارند. در هر ایست‌بازرسی اعضای طالبان که تا دندان مسلح‌اند، برای ساعت‌ها بدون کوچکترین ترس و هراس از نیروهای حکومتی به بازرسی مردم می‌پردازند. طالبان طی دو سال اخیر، به صورت منسجم و پیوسته به نفوذ خود در این ولایت گسترش داده و در این اواخر حتا تا دروازه‌های غربی شهر کابل نیز رسیده‌اند.

طی بیست سال گذشته، منطقه بهمسود یکی از امن‌ترین مناطق کشور به شمار می‌رود که نفوذ و حاکمیت دولت به صورت کامل و بدون کوچکترین مزاحمت جریان داشته است. بعد از تأسیس نظام جدید در سال ۲۰۰۱، شاید یک عسکر حکومتی و یا هم نیروهای نظامی بین‌المللی در این منطقه از افغانستان توسط مردم محل و یا گروه‌هایی که حکومت غیرمسئول می‌داند، به قتل نرسیده است. حتا نیروهای خارج از دایره حکومتی که تحت نام خیزش مردمی و مقاومت شکل گرفته، هیچ وقت مانع کار و فعالیت نهادهای حکومتی نشده و مانند طالبان ادعا نکرده‌اند که با حکومت مرکزی مشکل دارند. برعکس، مردم بهمسود به دلیل دشمنی استراتژیک با ایدئولوژی طالبانی، شبیه سپر مردمی و جغرافیایی در مقابل نفوذ طالبان به نقاط مرکزی و ولایات شمالی کشور، عمل کرده‌اند. حتا گروهی که تحت نام جبهه مقاومت در این منطقه شکل گرفته، هیچ وقت در مقابل نیروهای حکومتی و یا عملکردها و تصمیم‌ات ادارات محلی، دخالت آشکار نکرده است. حمایت مردم از حاکمیت مرکزی و حکومت‌داری نیز در این منطقه از کشور، پیشینه نیک و درخور ستایش دارد. میزان مشارکت سیاسی مردم در بهمسود یکی از بالاترین مشارکت‌ها در میان تمام مناطق کشور است. در جریان انتخابات پارلمان و ریاست‌جمهوری، مردم فوج فوج به‌پای صندوق‌های رأی رفتند تا در تعیین سرنوشت سیاسی خود و کشور، نقش سازنده‌ای ایفا کنند.

ادارات حکومتی همیشه فعال بوده و نصب و عزل‌هایی که در کابل صورت گرفته، بدون کدام مشکل خاص در این منطقه تطبیق شده است و با مخالفت مردم روبه‌رو نشده است. اما باوجود

در بخش اداری و مدیریت برنامه‌های عمرانی نیز عین قضیه وجود دارد. بعد از کسب قدرت، تصمیم‌گیران اصلی در اداره آقای غنی به‌جای تقویه نهادهای موجود حکومتی، همیشه در تکاپو بوده‌اند تا تشکیلات جدید را در اولویت کاری خود قرار دهند. این امر نه‌تنها در بهبود وضعیت اداری مؤثریت نداشت، بلکه وضعیت را وخیم‌تر از قبل ساخت. همین‌طور در بخش تعیین ساحات تطبیق پروژه‌های عمرانی، توزیع سیاست‌های عدالت و توسعه به ضرر مناطقی بوده که به صورت سنتی از حاکمیت مرکزی حمایت همه‌جانبه کرده‌اند.

چنین اولویت‌بندی‌ای، شایعات مربوط به تبارگرایی در تصمیم‌گیری‌های حکومت را بیش‌ازپیش تقویت می‌سازد. حمله به بهمسود نمونه بارز آن به شمار می‌رود. به اساس این فرضیه، به جز هزاره بودن این منطقه، هیچ دلیل قانع‌کننده دیگری را نمی‌توان تصور کرد که در تصمیم حکومت برای سرکوب مردم بهمسود نقش داشته باشد. اگر چنین عملکردهای سطحی، عقده‌مندانه و کوتاه‌فکرانه در سیاست‌های توزیع عدالت و توسعه که در گذشته افغانستان را به قهقرا برده است، مهار

مهار طالبان به عنوان دشمن و تهدید اساسی مردم و دولت، تمام انرژی و تمرکزش را صرف سرکوب و خنثاسازی چهره‌هایی چون جنرال دوستم، عطامحمد نور، داکتر عبدالله، محمد محقق که از ارکان اصلی مبارزه با طالبان بودند و همچنین حامی نظام بعد از ۲۰۰۱ به شمار می‌روند، معطوف ساخت. عکس این ماجرا، کسانی را که از نظر عمومی، چهره‌هایی حساسیت برانگیز و متهم به فساد و تبارگرایی بود را به پست‌های مهم حکومتی گماشت.

نهاد آموزش و پرورش نیز از جمله سکتورهای مهم دیگری بود که در طول این سال‌ها قربانی اولویت‌بندی و تشخیص اشتباه حکومت شد. آموزش و پرورش در عصر حاضر به خصوص در جوامع پسمانزعه، نقش کلیدی در روند ملت‌سازی و ایجاد ارزش‌های ملی، ایفا می‌کند. در حالی که طی چندین سال گذشته، حکومت به‌جای تمرکز روی ارتقای کیفیت نهادهای آموزشی، بیشتر به فکر تغییر نام، سهمیه‌بندی، وارونه‌سازی واژه‌ها، جنگ زبان فارسی و پشتو و آموزش بوده است که ثمره‌ای جز بدبینی و دل‌سردی عمومی نسبت به این نهاد نداشته است.

طالبان را داشت و نیروهای بین‌المللی عزم راسخ برای شکست شورش‌گری در کشور داشتند، آقای کرزی برادرپازی با گروه طالبان را در اولویت کاری خویش قرار داد و براین اساس، نیروهای امنیتی را در حالت دفاعی قرار داد. استراتژی آقای کرزی تا هنوز هم یکی از معماهای عمده‌ی سیاسی-امنیتی ۲۰ سال اخیر کشور به‌حساب می‌رود. این تصمیم موجب شد تا از یک طرف طالبان فرصت و انگیزه مضاعف برای گسترش فعالیت‌هایشان بیابند و از طرف دیگر انگیزه مبارزه با شورش‌گری در میان نیروهای امنیتی و حامیان بین‌المللی حاضر در کشور از بین برود. براساس بعضی فرضیات جدی، حکومت به‌جای مهار طالبان در جنوب در صدد تغییر انتقال میدان شورش‌گری و نامنی از جنوب به شمال کشور شد.

اما این روند در زمان حکومت آقای غنی، نه‌تنها در بخش امنیتی بلکه در سکتورهای مختلف گسترش یافت. در بخش سیاسی، آقای غنی به جای تلاش برای همه‌شمول کردن سیاست و حاکمیت خود، سرکوب چهره‌های مطرح از اقوام گوناگون را در اولویت کاری خویش قرار داد. اشرف‌غنی به‌جای تمرکز روی چگونگی

ملیسه‌های یک‌کلید؛ «بجنگ یا بمیر»

در طرحی که قسما توسط حکومت تمویل می‌شود، از ناچاری فقرای افغانستان برای دفاع از پسته‌های امنیتی در برابر حملات طالبان استفاده می‌شود.

فهمید عابد و توماس گیبینس-نف، نیویورک تایمز
مترجم: جلیل پژواک

مزارشرف، افغانستان - ملیسه‌های سابق و مقامات محلی می‌گویند شبکه‌ای از دلان قدرت و جنگ‌سالاران، با پستوانه مالی حکومت افغانستان و نیروی پولیس ملی، از زور ناچاری فزاینده برای حفظ مناطق اطراف بزرگراه‌های شمال کشور، از مستمندان و در مواردی به بهانه کار ساختمانی، به‌عنوان ملیسه استفاده می‌کنند. بزرگراه‌ها به‌عنوان شاهراه‌های اصلی کشور که امکان سفر جاده‌ای و ارتباط بین ولایات را فراهم می‌آورند به طور فزاینده‌ای به خط مقدم شورش جنگ‌جویان تشجیع‌شده‌ی طالبان تبدیل شده‌اند. مقامات محلی ولایت بلخ برای بازنگهداشتن این شاهراه‌ها به جذب افراد محلی اکثراً آموزش‌ندیده به‌عنوان محافظ پسته‌های امنیتی در امتداد بزرگراه‌ها رو آورده‌اند. این افراد جز تفنگ و وعده پرداخت دست‌مزد (البته اگر زنده ماندند) حمایت دیگری دریافت نمی‌کنند. برخی دیگر از این افراد محلی با وعده کار ساختمانی به این پسته‌ها آمده و بعداً متوجه شدند که خبری از ساختمان و کار ساختمانی نیست.

این افراد به‌عنوان ملیسه در مناطق خطرناک که فرار از آن ناممکن است رها می‌شوند و بعد از هفته‌ها و در مواردی ماه‌ها، زنده یا مرده‌شان پس برده می‌شود.

با شدت گرفتن حملات طالبان در سراسر افغانستان، این روش غیرقانونی برای سربازگیری آخرین نشانه از خالی شدن نیروهای امنیتی افغانستان به سبب ضعف روحیه و نرخ پایین جلب و جذب قانونی این نیروهاست. این ملیسه‌سازی همچنین نشان‌دهنده بازگشت جنگ‌سالارگرایی است و پژواکی از گذشته نه‌چندان دور افغانستان در دوره جنگ داخلی که خاک این کشور تقسیم شده و تحت اداره زورمندان بود. مهم‌تر این‌که این ملیسه‌سازی با توجه به توقف مذاکرات صلح در دوحه و خروج احتمالی کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان که از مهلت آن چند ماه بیشتر باقی نمانده است، هشدار نگران‌کننده درباره سرنوشت این کشور است.

مصاحبه با بیش از ده مقام محلی، ملیسه‌های سابق، مأموران امنیتی، اعضای خانواده‌ها و حتا برخی از فرماندهانی که به مشارکت در این طرح اعتراف کردند، به کشف جزئیاتی درباره این شبکه و درباره حمایت بی‌سروصدایی که از مقامات سطح بالای حکومت افغانستان دریافت می‌کند، منجر شد. این مصاحبه‌ها همچنین از آسیب‌ها و تلفات وارده این طرح بر خانواده‌هایی که عزیزان‌شان برای مرگ جذب می‌شوند، پرده بر می‌دارد. سید میر که پسرش جواد پس از اصابت گلوله به گردنش در یکی از پسته‌ها، نزدیک بود جان‌ش را از دست دهد، می‌گوید: «پسرم فاقد هرگونه تجربه نظامی است. او معلول است. او کسی نیست که باید به جنگ برده شود.»

ولایت بلخ زمانی یکی از آرام‌ترین ولایات افغانستان به شمار می‌رفت. پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۱ موقعیت این ولایت در امتداد مرز با ازبکستان و در یک مسیر تجاری مهم از ترکمنستان باعث رشد اقتصاد محلی بلخ شد. با این حال از آن جایی که در سال‌های اخیر حکومت مرکزی نتوانسته به خوبی از عهده‌ی کنترل رهبری ولایت بلخ و تأمین نیروهای امنیتی به تعداد لازم برای شمال کشور برآید، بلخ به طور فزاینده‌ای ناآرام شده است.

ماه جولای سال ۲۰۲۰ سید جواد، ساکن بلخ، فکر می‌کرد که او برای بازسازی یک پسته‌ی دولتی تخریب‌شده بر اثر حمله طالبان، ماهانه در بدل ۱۵۰ دالر دست‌مزد استخدام شده است. صدوپنجاه دالر عاید در ماه از آن دست پولی بود که سید جواد مدت‌ها بود به دست نگرفته بود.

آقای جواد ۲۷ ساله به محض رسیدن به این پایگاه در حدود ۱۵ مایلی خانه‌اش در مزارشرف، فهمید که چیزی برای بازسازی وجود ندارد. او یک روز بعد یک میل کلاشینکف، و از طریق مخابره او ولسوالی یک دستور ساده دریافت کرد: «بجنگ یا بمیر. آقای جواد می‌گوید: «از اونا پرسیدم که آیا ما این‌جا برای کار ساختمانی هستیم یا برای کشته‌شدن.»

به این ترتیب جواد ناخواسته عضو ملیسه‌های «یک‌کلید» شده بود. اصطلاح «یک‌کلید» اشاره به موترهای بی‌اسناد است که به شکل قطعات یدکی وارد افغانستان می‌شود و از جنگ مالیات دولتی و ثبت سابق می‌گریزد. در مورد شبه‌نظامیان، یک کلید به این معنا است که هیچ مدرکی در مورد ثبت‌نام اعضای این ملیسه‌ها وجود ندارد و به این ترتیب فرماندهان این ملیسه‌ها می‌توانند از پرداخت دست‌مزد آن‌ها شانه خالی کنند. البته اگر این افراد زنده ماندند.

آقای جواد می‌گوید که «یک‌کلید بودن خطرناک‌ترین کار در دو طرف جنگ است. اگر کشته شوید، خانواده‌تان پول اکرامیه یا حقوق شما را دریافت نمی‌کنند.»

او می‌گوید که وارد ملیسه یک کلید شدن مانند ایستادن در صف «خودکشی» است.

طارق آرین، سخنگوی وزارت داخله نخست تلاش کرد پرسش‌هایی را که از او پرسیده شده بود به وزارت دفاع ارجاع دهد، اما بعداً گفت که در مورد چنین ملیسه‌ها تحقیق می‌شود. آقای آرین گفت: «ما در گذشته چنین مواردی نداشته‌ایم.»

والی بلخ به چندین مورد درخواست ما برای اظهارنظر در این مورد پاسخ نداد.

وسعت شبکه ملیسه‌های یک‌کلید نامعلوم است. با این‌که یک مقام حکومت افغانستان که می‌خواهد نامش گرفته نشود، می‌گوید که از این ملیسه‌ها در سراسر کشور به‌عنوان جایگزین ارزان برای پرکردن جای نیروهای از دست رفته استفاده می‌شود، اما سوابق رسمی درباره وجود این ملیسه‌ها در سطح ولایت یا سطح کشور وجود ندارد. تنها مدرک لازم برای ثبت‌نام در این شبکه (ثبت‌نام در این خصوص اصطلاح مناسبی نیست زیرا در بعضی موارد این افراد عملاً ربوده و مجبور به جنگ می‌شوند) کارت شناسایی یا همان تذکره است.

حاجی نورمحمد، شاروال یک ولسوالی در ولایت قندهار می‌گوید که در جنوب افغانستان برخی از فرماندهان پولیس معاش افسران کشته یا بازنشسته را به جیب می‌زنند و به جای این‌که برای پرکردن صفوف خود اقدام به سربازگیری و جلب و جذب نیروهای جدید کنند، افراد محلی را که ثبت‌شده نیستند استخدام می‌کنند و فقط قسمتی از معاش‌شان را به آن‌ها می‌پردازند.

آقای جواد که قبلاً برای چند سال عضو نیروهای ارتش بوده، می‌گوید که از ۱۶ نفری که در پایگاه خارج از شهر مزارشرف با وی بودند، همه با وعده‌ی کار ساختمانی فریب خورده و به آنجا کشانده شده بودند. او می‌گوید به رغم جنگ شبانه و تلاش برای آموزش هم‌سنگران‌ش از طرف روز و برای نزدیک به سه ماه، در پایان هیچ پولی دریافت نکرده است.

همسایه آقای جواد، جاوید، با همین وعده کار ساختمانی استخدام شده بوده و بعداً در جریان زدوخورد از ناحیه گردن مورد اصابت گلوله قرار گرفته. درحالی که آقای جواد کهنه‌سرباز ارتش است، جاوید ۲۵ ساله قبل از رفتن به پسته هرگز دست به تفنگ نزده بوده. او کم‌شوا به دنیا آمده بوده و دچار اختلال زبان است.

جاوید نشسته در اتاق نشیمن خانه‌اش درحالی که زخم گلوله همراه با زخم بزرگ‌تر ناشی از خروج گلوله بر گردنش هویداست، می‌گوید: «آن‌ها نگذاشتند با خانواده‌ام خداحافظی کنم. مرا به پایگاه بردند و ما به مدت دو ماه در آن جا گیر مانده بودیم.»

اصلی شبه‌نظامیان یک کلید در بلخ است. او نه‌تنها مسئول حفاظت از بزرگراه‌ها و پسته‌های آن‌هاست بلکه مسئول توزیع ملیسه‌ها به این پسته‌ها نیز هست.

چندین نفر در مصاحبه با نیویورک تایمز گفتند که هر ماه که کاپیتان صالح پسته‌هایش را حفظ بتواند، از مقامات ولایتی یا وابستگان آقای نور پول دریافت می‌کند. کاپیتان و دستیارش وجود چنین قراردادی را رد کردند. برخی از منابع تأیید کردند که مقداری از پول در اصل قرار است بین اعضای ملیسه‌ها تقسیم شود اما به ندرت به دست آن‌ها می‌رسد. کاپیتان صالح گفت که او با این پرداختی‌ها سروکاری ندارد.

این معاملات بیان‌گر سرنوشت قلمروهایی است که زمانی توسط نیروهای غربی محافظت می‌شد. اتکا بر چنین نیروهای جنگی مؤقتی، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری ایالات متحده به ارزش بیش از ۷۰ میلیارد دالر روی سلاح، تجهیزات و آموزش نظامی نیروهای امنیتی افغانستان را نشان می‌دهد. نیروهایی که اکنون به سختی قادر به حفظ شهرهای بزرگ این کشورند.

آقای جواد با اشاره به سوراخی در شلوارش که ظاهراً نتیجه تماس با آتش است می‌گوید که «ما هیچ بونیفورم و زرهی نداشتیم. من همان پیراهن تنبانی را پوشیده بودم که حالا دارم. حکومت برای چه است؟ اگر می‌توانستم ضربه‌شان بزنم، می‌زدم.»

مقر کاپیتان صالح در دیوارهای دفاعی مزارشرف هم یک پایگاه پولیس است و هم مکانی برای نگه داری موترهای شاستی بلند لوکس و چند اسبش. گویای حال و هوای جنگ‌سالار مانند خودش.

او می‌گوید که استفاده از ملیسه‌ها کاری از سر مجبوری است زیرا مقامات کابل درخواست‌های وی برای اعزام سربازان و پولیس بیشتر را نادیده گرفته‌اند. او حدود ۳۴۰ نفر را تحت فرمان دارد اما به ۵۰۰ نفر نیاز دارد. از پشتیبانی هوایی نیروهای آمریکایی دیگر خبری نیست و نیروهای هوایی افغانستان نیز همیشه دیر می‌آیند، البته اگر بیایند.

کاپیتان صالح می‌گوید: «به همین دلیل ما از ملیسه‌های یک کلید استفاده می‌کنیم.»

سید محمد، بزرگ قبیله‌ای در مزارشرف می‌گوید که او و سایر خانواده‌ها سال گذشته از روند استخدام ملیسه‌ها به شورای



ولایتی بلخ شکایت کردند و سرانجام کاپیتان صالح برکنار شد. اما دو ماه بعد او دوباره وظیفه خود بازگشت. کاپیتان صالح در مورد دلیل برکنار شدن و استخدام شدن مجدداً توضیح نمی‌دهد و فقط می‌گوید که دلیل بازگشتش این بوده که حکومت به او نیاز داشته زیرا طالبان پسته‌های دولتی را سقوط می‌دهند.

او که به نظر می‌رسد حيله و نیرنگ نهفته در روش‌اش برای سربازگیری را توجیه می‌کند، گفت: «مردم بدون تجربه به ملیسه یک کلید نمی‌پیوندند زیرا آن‌ها از عواقب آن باخبرند.» شاهراه‌ها شاید باز بمانند اما معامله امنیت شاهراه در بدل جان انسان‌ها، خانواده‌هایی را در هم شکسته و جوامعی را ویران کرده است.

در محله فقیرنشین علی آباد در مزارشرف، جایی که یک بزرگ مردمی گفت که بیش از ۵۰ مرد محله به استخدام ملیسه‌های یک کلید درآمده‌اند، فاطمه برای پسرش، غلام‌علی، که با میل خود برای پرداخت بدهکاری‌هایش با ملیسه‌ها رفته بوده، اشک می‌ریزد. غلام‌علی خزان سال گذشته به ضرب گلوله کشته شد. غلام‌علی ۳۸ ساله بیش از یک سال با ملیسه‌ها کار کرده بود اما به ندرت دست‌مزدی دریافت می‌کرد.

فاطمه گریه‌کنان می‌گوید: «پیش‌اش زاری کردم که نرود. او گفت: «چه کاری غیر از این می‌توانم انجام دهم؟ همسر من نان می‌طلبد، اولادهایم غذا می‌خواهند. راه دیگری نیست. تنها راه، رفتن و پیوستن به ملیسه است.»

این گزارش با همکاری نجیم رحیم از کابل و تیمور شاه از قندهار تهیه شده است.

مردی به طور غیرقانونی وارد پایگاه هواپیمای رییس جمهوری آمریکا شد

جان کربی، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفته است این موضوع «بسیار جدی» گرفته می‌شود. تا کنون گزارشی دال بر ارتباط این فرد با گروه‌های افراطی منتشر نشده است. این مرد در پایگاه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. او اکنون در اختیار پلیس است و به گفته مقامات در جریان بازداشت او کسی آسیبی ندیده است.

اطلاعات روز: نیروی هوایی آمریکا پس از ورود فردی به پایگاهی که ایر فورس وان، هواپیمای رییس جمهوری در آن قرار دارد، امنیت این پایگاه را بررسی می‌کند. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، روز پنج‌شنبه یک مرد بالغ غیرمسلح توانست وارد پایگاه شکاری اندروز شده و وارد هواپیمایی شود که بخشی از ناوگان مقام‌های دولتی است.

پایگاه شکاری اندروز در ۲۴ کیلومتری کاخ سفید قرار دارد و رییس جمهوری، معاون رییس جمهوری و سایر رهبران آمریکا به طور مرتب از آن استفاده می‌کنند. غروب روز جمعه، جو بایدن از این پایگاه به ویلمینگتون در دلاور پرواز کرد. ایرفورس وان شامل دو هواپیما است. بازرس ایر فورس وان قرار است تحقیقاتی در زمینه این

ورود غیرقانونی انجام دهد. همچنین تحقیقات وسیعی در باره وضعیت امنیت در پایگاه‌های آمریکایی در سراسر دنیا انجام خواهد شد. این ورود غیر قانونی تقریباً یک ماه پس از ناآرامی‌های ۶ جنوری در پایتخت ایالات متحده رخ داد. به دنبال این وقایع تدابیر امنیتی سختگیرانه تری به اجرا در آمده و قرار است هزاران نیروی گارد ملی تا ماه مارچ در واشنگتن حضور داشته باشند.

دولت بایدن حوثی‌های یمن را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج می‌کند

، می‌توانیم تأیید کنیم که وزیر امور خارجه قصد دارد انصارالله را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی و طبقه‌بندی شده به عنوان یک گروه تروریستی بین‌المللی خارج کند. این مقام وزارت خارجه آمریکا تأکید کرده است که این موضوع رسماً به کنگره اطلاع داده شده و جزئیات بیشتری در روزهای آینده ارائه خواهد شد. وزارت خارجه آمریکا تصریح کرده است که این تصمیم این هیچ ارتباطی با موضع دولت ایالات متحده در قبال شبه نظامیان حوثی و اقدامات مذموم آنها از جمله حمله به غیرنظامیان و ربودن شهروندان آمریکایی، ندارد. در این بیانیه بر تعهد آمریکا در قبال حفاظت و حمایت از عربستان برای دفاع از تمامیت ارضی خود در برابر حملات شبه نظامیان حوثی تأکید شده است. مایک پومپئو، وزیر خارجه آمریکا در دولت دونالد ترامپ ۱۹ جدی یک روز قبل از پایان عمر این دولت، شبه نظامیان حوثی را به فهرست گروه‌های تروریستی اضافه کرد. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد و گروه‌های

اطلاعات روز: دولت جو بایدن روز جمعه ۱۷ دلو به کنگره آمریکا اطلاع داد که با توجه به وخامت وضعیت انسانی در یمن در صدد است با لغو تصمیم روزهای آخر دولت دونالد ترامپ، حوثی‌های یمن را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کند. به گزارش رادیو فردا، این تصمیم یک روز پس از آن اعلام می‌شود که رییس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد که ایالات متحده به حمایت پنج ساله خود از ائتلاف به رهبری عربستان در جنگ یمن پایان می‌دهد. جنگی که میلیون‌های یمنی را معرض خطر قحطی قرار داده و رسانه‌های بین‌المللی از آن به عنوان جنگ نیابتی ایران و عربستان یاد می‌کنند. یک مقام وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای گفته است، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه خیلی روشن تأکید داشت که بررسی تروریستی اعلام شدن انصارالله (شبه نظامیان حوثی) تسریع شود چرا که پیامدهایی برای مردم یمن داشت که با بدترین فاجعه انسانی روبه رو هستند. در این بیانیه تصریح شده است، پس از یک بررسی جامع



بین‌المللی کمک رسانی نسبت به پیامدهای این اقدام هشدار داده و گفته بودند، یمن هم اکنون در معرض خطر قریب الوقوع بدترین قحطی جهان در دهه‌های گذشته قرار دارد. سه مقام ارشد سازمان ملل متحد هم ۲۵ جدی از دولت آمریکا خواستند تصمیم خود برای افزودن حوثی‌های یمن به فهرست گروه‌های تروریستی را لغو کند. سازمان ملل یمن را بزرگترین فاجعه بشری در جهان می‌داند و طبق ارزیابی‌های این نهاد حداقل ۸۰ درصد از جمعیت ۲۴ میلیونی این کشور به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. به دنبال پیشروی نیروهای شبه نظامیان حوثی و تصرف صنعا، پایتخت یمن، ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی از سال ۹۴ برای دفاع از حکومت عبدربه منصور هادی، رییس‌جمهوری یمن وارد جنگ داخلی در این کشور شد. برآوردهای نهادی بین‌المللی حاکی از آن است که جنگ یمن بیش از ۱۱۲ هزار نفر کشته برجای گذاشته است.

وال استریت ژورنال:

بازرسان آژانس در دو سایت هسته‌ای ایران شواهدی از «مواد رادیو اکتیو اعلام نشده» یافتند

استریت ژورنال گفت: «کشف مواد رادیواکتیو در این سایت‌ها نشان‌دهنده این است که ایران در حقیقت مواد هسته‌ای اعلام نشده دارد و این درحالی است که ایران چنین چیزی را انکار می‌کند.» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش از این چند مورد رد ذرات اورانیوم اعلام نشده را در سایت‌های مختلف ایران یافته بود، که از جمله آنها می‌توان به یافتن رد اورانیوم غنی شده در یک انبار در تهران در سال ۲۰۱۹ اشاره کرد. پس از اکتشاف این مواد بود که آژانس از ایران خواست به بازرسان اجازه دهد از دیگر سایت‌های هسته‌ای این کشور نیز بازدید کنند. جمهوری اسلامی اعلام کرده که تحقیقات آژانس بر

اطلاعات روز: وال استریت ژورنال به نقل از سه دیپلمات آگاه گزارش داد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نمونه‌هایی که طی پاییز سال جاری از دو سایت هسته‌ای ایران برداشته‌اند، شواهد تازه‌ای از وجود مواد رادیواکتیو یافته‌اند که ممکن است از اقدام ایران برای ساخت سلاح اتمی حکایت داشته باشد. بنابر این گزارش، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هنوز یافته‌های جدید خود در مورد ایران را به کشورهای عضو گزارش نداده است و در حال حاضر از ایران خواسته در مورد این مواد توضیح دهد. به گزارش ایران اینترنشنال، دیوید آلبرایت، بازرس و رییس پیشین موسسه علم و امنیت بین‌المللی، به وال

اساس «اطلاعات ساختگی» اسرائیل صورت می‌گیرد و از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواسته سریع‌تر تحقیقات خود را تکمیل کند. به گزارش وال استریت ژورنال، وقتی که آژانس در ژانویه ۲۰۲۰ از ایران خواسته بود که اجازه دسترسی به این دو سایت را بدهد، جمهوری اسلامی بارها با این درخواست مخالفت کرد، تا اینکه رافائل گروسی، مدیر کل آژانس، در شهریور ماه در سفری به تهران با مقامات جمهوری در این مورد به توافق رسید. بر اساس این توافق، بازرسان آژانس اجازه یافتند علاوه بر برداشتن نمونه از این دو سایت، بازرسی از یک سایت دیگر را نیز آغاز کنند.

از سوی دیگر، طی مدتی که نمونه‌های گرفته شده از دو سایت مذکور تحت آزمایش بودند، آژانس فشارهای خود بر ایران را افزایش داد تا در مورد آثار اورانیوم کشف شده سال ۲۰۱۹ در تهران توضیح دهد و تأکید کرد تحقیقات تا زمانی که ایران در مورد تمام مواد هسته‌ای اعلام نشده توضیح دهد، ادامه خواهد یافت. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه نوامبر گذشته توضیحات ارائه شده از سوی ایران را «از نظر فنی نامعتبر» خواند و گفت جمهوری اسلامی باید «به صورت کامل و سریع» در مورد این مواد توضیح دهد. این در حالی است که جمهوری اسلامی تأکید می‌کند با آژانس در حال همکاری است.

بلومبرگ:

بایدن به دنبال کاهش فشار مالی بر ایران بدون برداشتن تحریم‌های کلیدی است

به نقل از ایران اینترنشنال، بلومبرگ روز شنبه ۱۸ دلو به نقل از چهار منبع آگاه نوشت یکی از گزینه‌های دولت آمریکا در این زمینه، حمایت از وام صندوق بین‌المللی به ایران برای کمک به پیامدهای اقتصادی شیوع کرونا در این کشور است. به گفته این منابع آگاه، گزینه دیگری که دولت بایدن در حال بررسی آن است کم کردن تحریم‌هایی است که مانع رسیدن کمک‌های بین‌المللی به ایران در زمینه کرونا می‌شود. این گزارش می‌افزاید که اتخاذ چنین راهکارهایی، می‌تواند با دلایل انسان‌دوستانه توجیه شود. همچنین گزینه دیگر، احتمال امضای یک دستور اجرایی از سوی بایدن برای لغو تصمیم دونالد ترامپ در زمینه خروج از برجام است. اما به گفته این منابع آگاه، صدور معافیت از تحریم‌ها برای فروش نفت ایران در بازارهای بین‌المللی هنوز به طور جدی از سوی دولت آمریکا بررسی نمی‌شود. بلومبرگ تأکید کرد احیای توافق هسته‌ای ایران، یکی



اطلاعات روز: خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد دولت جو بایدن در حال بررسی راهی برای کم کردن فشار مالی بر ایران بدون برداشتن تحریم‌های اقتصادی از جمله تحریم‌های نفتی است.

از چالش‌های سیاست خارجی دولت بایدن و از مجموعه اقداماتی است که با هدف متوقف کردن یا معکوس کردن تدابیر اتخاذ شده از سوی تیم امنیت ملی دولت ترامپ صورت می‌گیرد. شورای امنیت ملی آمریکا روز جمعه جلسه‌ای را درباره مسائل خاورمیانه با تمرکز بر ایران برگزار کرد، اما جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید در توییت اعلام کرد که این جلسه حاوی «هیچ اعلام سیاسی» نیست. سخنگوی کاخ سفید همچنین در یک نشست خبری گفت اگر جمهوری اسلامی به تعهدات خود در برجام برگردد، زمینه برای رسیدن به توافقی «طولانی‌تر و قوی‌تر» فراهم می‌شود. او تأکید کرد: «توپ در زمین ایران است تا به تعهداتش عمل کند.» عصر جمعه نیز، وزیران خارجه چهار کشور آمریکا، آلمان، فرانسه و بریتانیا درباره چگونگی رسیدن به یک رویکرد متحد برای برطرف کردن نگرانی‌های مشترک نسبت به ایران نشستی را برگزار کردند که پس از آن، وزرای خارجه فرانسه و بریتانیا، این نشست را «مهم، عمیق و با هدف

رسیدن به رویکرد متحد در مورد ایران» توصیف کردند. احتمال موافقت آمریکا با اعطای وام از سوی صندوق بین‌المللی پول به ایران در حالی است که جهاد از عور، مدیر بخش خاورمیانه و آسیای میانه این سازمان، به تازگی اعلام کرد با وجود گذشت نزدیک به یک سال از درخواست وام پنج میلیارد دلاری ایران، این درخواست کماکان در دست بررسی است. با این حال، این مقام صندوق بین‌المللی پول به آسوشیتدپرس گفت هنوز زود است بگوییم سیاست آمریکا در منطقه به ویژه آنچه مربوط به ایران است، در دوران ریاست‌جمهوری بایدن چگونه خواهد بود. مقام‌های دولت پیشین آمریکا که با اعطای این وام مخالفت کرده بودند، معتقد بودند تهران این مبلغ را به جای مقابله با کرونا برای شبه‌نظامیان مورد حمایتش در خاورمیانه خرج می‌کند. درخواست ایران از صندوق بین‌المللی پول، نخستین درخواست وام ایران از این صندوق از سال ۱۹۶۲ میلادی (۱۳۴۱) به این سو است.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی	zaki.daryabi2@gmail.com
سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی	۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش	
گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابرسایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی	
مترجم: جلیل پژواک	
ویراستار: شیرمهریار	
صفحه آرا: رضا مظفری	
ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا	شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com	mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته‌سه	توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷	



ابعاد سیاسی سازش نامه تجاری-ترانزیتی افغانستان و پاکستان (۱)

حسین یاسا



چکیده

تمدید «سازش نامه تجاری-ترانزیتی افغانستان و پاکستان» (APTTA) با توجه به تحولات ناهموار سیاسی میان دو کشور همواره با دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها به همراه بوده است. پژوهش حاضر چالش‌ها و موانع پیش‌رو در تمدید این توافق نامه را که در ۱۱ فبروری ۲۰۲۱ به پایان می‌رسد، به بررسی می‌گیرد. دو کشور پیش از تمدید این توافق نامه تا هنوز چندین دور مذاکرات انجام داده‌اند اما به نظر می‌رسد که تا کنون تمدید آن به دو علت زیر با مشکل برخورد کرده است:

۱. چالش‌های تکنیکی دسته‌ای از مشکلات فنی و مدیریتی این پروژه بزرگ است، مانند توقف تجارت غیر رسمی و یا غیر قانونی، بهره‌گیری موثر از فناوری اطلاعاتی (وسایل ردیابی کالاها و وسایل نقلیه و مانند آن)، تضمین‌های بانکی، مجوزهای حمل و نقل ویژه برای کامیون‌ها و تضمین مالی کانتینرها و سایر روش‌های تدارکاتی و گمرکی، روابط کاری و ارتباطات بهتر میان مقامات مربوطه دو طرف و ... احتمال قوی می‌رود که این دسته از مشکلات قابل حل باشند و کارشناسان دو طرف به وجه احسن راهکارهای موثری را برای پاسخ به آن خواهند ساخت.

۲. مشکل دومی: بعد سیاسی و امنیتی توافق نامه. به نظر می‌رسد که مسائل سیاسی مشکلات جدی‌تری را در تمدید این توافق نامه به وجود آورده است. یکی از این مشکلات شمولیت هند در این توافق نامه و یا حداقل اجازه صادرات کالاهاى هندى از مرز زمينى واگه و استفاده از راه زمينى از خاک پاکستان تا مرز افغانستان (توخم) است. در این مسأله قراین نشان می‌دهد که افغانستان و پاکستان در دو جهت مخالف موضع دارند.

این پژوهش با اطلاعات فشرده در باره پیش‌زمینه، جنبه‌های مهم این قضیه، به ویژه موانع دسته دومی را به بررسی می‌گیرد.

درآمد

افغانستان و پاکستان به‌رغم داشتن مشترکات بسیار مانند همسایگی، مرز طولانی، دین، زبان و فرهنگ مشترک و متکی بودن به همدیگر در موارد کلیدی اقتصاد و امنیتی، هیچ‌گاهی مناسبات دلبخواهی نداشته‌اند. در مورد این ناهماهنگی‌ها و ناسامانی‌ها در روابط دو کشور همسایه، دیدگاه‌های گوناگونی هست که پرداختن و جمع‌بندی آن‌ها در یک مقاله کوتاه نمی‌گنجد.

این که این دو کشور همسایه همدیگر اند، واقعیتی است انکار ناپذیر. اگرچند حکومت‌های دو کشور نتوانسته‌اند مناسبات دو جانبه مطلوبی ایجاد نمایند و حتا گاه هم تا مرز دو دشمن آشتی‌ناپذیر در برابر هم قرار گرفته اند، با این هم هنوز میلیون‌ها پناه‌گزین افغانستانی به‌طور رسمی و یا غیر قانونی پاکستان را به‌عنوان خانه دوم خود برگزیده اند. ده‌ها هزار کودک و نوجوانان افغانستانی در مکاتب، آموزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس دینی پاکستان مصروف درس اند و هزاران شهروند دیگر در تجارت‌های قانونی و یا غیر قانونی در آن کشور نقش بازی می‌نمایند.

به هر رو، سزاوار و شایسته نیست که دو کشور با توجه به جایگاه و اهمیت ویژه جیوپولیتیک و جیواکونومیک خود، از اهمیت همدیگر چشم‌پوشی نمایند. کشور پاکستان نقطه اتصال آسیای جنوبی، آسیای غربی و آسیای میانه و هم‌مرز با دریای عرب (اقیانوس هند) است و دارای اهمیت ویژه به عنوان یک مرکز مهم برای تجارت ترانزیتی به افغانستان، چین و آسیای میانه به‌شمار می‌آید.

گستره افغانستان هم با آن‌که یک سرزمین محصور در خشکی است، از زمان‌های دور به‌عنوان

گذرگاه تمدن‌های بزرگ هند و چین و ایران به شمار می‌آید. اکنون به خاطر همسایگی و هم‌مرز بودن افغانستان با کشورهای چین، پاکستان، ایران و جمهوری‌های آسیای میانه، اهمیت سیاسی و اقتصادی این کشور برجسته‌تر شده و همچون گره‌گاه وصل و گذرگاه تجاری میان شرق و غرب و جنوب آسیا و همچنان خاور میانه با آسیای مرکزی و دلایل مهم جیواستراتیژیک و جیوپولیتیک، چندین برابر گردیده است. افزون بر آن، این کشور گنجینه‌هایی بزرگی از ده‌ها کنسار زیر زمینی تثبیت شده دارد که ارزش آن‌ها بیشتر از یک تریلیون دلار آمریکایی تخمین زده می‌شود.

اگر پاکستان دارای یکی از ارتش‌های بزرگ و منظم جهان و تنها کشور اسلامی مسلح با بمب‌های هسته‌ای است، افغانستان هم جایگاه قلب آسیا را دارد. طوری که علامه اقبال لاهوری هم به این واقعیت در اشعارش اعتراف می‌کند. با این‌حال موقعیت حساس، امنیت و ثبات افغانستان تأثیر مستقیمی بر همه کشورهای یاد شده جهان دارد. بدون یک افغانستان با ثبات و مرفه، پیشرفت اقتصادی و توسعه به میزان مطلوب بالا در منطقه با چالش بزرگی روبه‌رو می‌شود. پس هر دو کشور در ثبات سیاسی و اقتصادی منطقه نقش کلیدی دارند و به ویژه صلح پایدار در افغانستان بدون همکاری‌های دو جانبه صمیمی بعید به نظر می‌رسد.

واقعیت‌هایی چند از موارد اقتصادی و تجاری

روشن است که محصور به خشکی بودن و دسترسی نداشتن به حمل و نقل دریایی، محدودیت‌های بسیاری در پیشرفت اقتصادی پدید می‌آورد. برای حل این مشکل، کشورهای محاط به خشکی نیازمند کمک‌های کشورهای منطقه‌ای می‌باشند که مرز دریایی و زیر بناهای حمل و نقل دریایی دارند. افغانستان هم برای تجارت ترانزیت و تأمین نیازهای غذایی، فراورده‌های نفتی، ماشین آلات، فناوری، دارو و سایر کالاها به همسایه‌های چون پاکستان و ایران نیاز دارد. با این‌که افغانستان با بیش از چهار دهه درگیر جنگ‌های خانمان‌سوز و تنش‌های گوناگون داخلی بوده، تا هنوز هم میوه‌ها، سبزی‌های تازه و خشک، انواع رنگارنگ فرش و برخی از معادن خود را به کشورهای مختلف به پیمان‌های مختلف صادر کرده است.

در دو دهه گذشته، به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های بزرگ جامعه جهانی، افغانستان هنوز هم به بی‌موازی تجاری بزرگی روبه‌رو است. بر پایه اطلاعات سازمان بازرگانی جهانی کسری تجاری افغانستان در سال ۲۰۱۸ حدود ۶.۴ میلیارد دلار آمریکایی بوده است. در این سال مجموع واردات ثبت‌شده افغانستان ۱.۲ میلیارد دلار و صادرات آن تنها ۴۸۵ میلیون دلار گزارش شده

وزیران تجارت پاکستان (مخدوم امین فهیم) و افغانستان (انورالحق احدی) این سازش نامه را در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۰ امضا کردند.

البته در مقایسه با انا توافق نامه نو اپتا جامع‌تر بود که در مجموع بر ساخته از ۵۸ ماده و دو ضمیمه و چهار پروتکل ضمنی بود که دربر گیرنده کلیه جزئیات فنی و حقوقی بود، مانند مسیرهای ورود و خروج، جاده‌ها و بزرگراه‌های مورد استفاده و مانند آن... در این توافق نامه برای پاکستان از سه گذرگاه اجازه ورود به جمهوری‌های آسیای مرکزی داده شد و برای افغانستان هم از طریق مرز زمینی واگه اجازة صادرات به هند داده شد. اما بازم پاکستان هیچ‌گونه اجازه صادرات کالاهاى هندى را از راه زمينى به افغانستان، نداد. جامعه جهانی و سازمان ملل از این توافق دو جانبه استقبال کردند و آن را گامی مثبت در راستای گسترش تجارت و روابط متقابل خواندند. اما در این مدت ۱۵ سال افزون بر مشکلات دیوان‌سالاری قرمز، فنی و فساد اداری مرزی و گمرکی در هر دو جانب، دو مشکل عمده باعث نزاع و چالش جدی در تطبیق موففانۀ این پیمان وجود داشته است:

نخست؛ این که پاکستان همیشه نگران تجارت غیر رسمی/غیر قانونی بود که سالانه مبلغ هنگفتی هزینه برای اقتصاد آن و همچنان تأثیر منفی و زیانباری به صنعت داخلی و تجارت پاکستان داشت. برای پاکستان نظارت و کنترل مرز طولانی ۲۶۰۰ کیلومتری باز و قابل نفوذ، به راستی یک کار دشوار حتا امکان‌ناپذیر بود.

مشکل دوم بعد سیاسی این پروژه است که جدی‌تر از اولی بود و آن پافشاری بیش از حد افغانستان برای شمولیت هند در این پروژه بود. یعنی به هند هم اجازه داده شود تا صادرات خود را از طریق مرز واگه و راه زمینی از خاک پاکستان به افغانستان انجام دهد. پاکستان بازم دلایل سیاسی، امنیتی و حقوقی را پیش کشیده و به این خواست افغانستان تا هنوز پاسخ مثبت نداده است. روی هر دو مورد کمی بیشتر خواهیم پرداخت.

تجارت غیررسمی/غیر قانونی

بنا به گزارش دفتر «مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل» (UNDOC)، پاکستان به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود با چالش بزرگی اقتصاد جرمی و غیر قانونی روبه‌رو است. جرم و جنایات بین مرزی، مناسبات پاکستان را با همسایگان به ویژه افغانستان، پیچیده ساخته است.

شبکه‌های سازمان یافته جنایتکاران، تحت پوشش حلقه‌های مشابه سازمان یافته رسمی و غیر رسمی مانند عمده‌فروشان، سرمایه‌گذاران، حامیان و حمایت‌کنندگان و غیره برای خود یک اقتصاد غیر قانونی پر رونق منطقه‌ای ایجاد کرده اند. گسترش خطرات ناشی از بویایی‌های

اقتصادی غیر قانونی و جنایی، اوضاع منطقه و جهان را به‌طور گسترده تحت شعاع قرار داده اند. به عنوان نمونه قاچاق غیر قانونی مواد مخدر سلامتی و امنیت جهان را با خطر مواجه می‌کند و بخش از این درآمدها به شورشیان تعلق می‌گیرد که نه تنها چالش‌های امنیتی برای همان منطقه بلکه به مناطق دور دست هم پدید می‌آورد. گزارش می‌آورد که تجارت غیر قانونی افغانستان هنوز هم یک منبع بزرگ درآمد است که هزینه فعالیت‌های اقتصادی مشروع را بالا می‌برد و همچنین موجب تضعیف دولت‌ها می‌شود، فرصت‌ها برای انکشاف را با خطر روبه‌رو می‌کند و حاکمیت قانون را به تمسخر گرفته کشورها را در دایره ناداری و بی‌ثباتی نگه می‌دارد. تحقیقات برنامه حمایت از استراتیژی پاکستان (PSSP) از جزئیات چگونگی تجارت غیر رسمی و غیر قانونی پرده می‌برد که چگونه کالاها به مقصد افغانستان تحت توافق نامه ترانزیتی پس از ورود به بندر کراچی بدون هیچ عوارض گمرکی، باربری شده با کامیون‌ها به مقصد افغانستان حرکت می‌کنند و از طریق چمن و یا تورخم داخل آن کشور می‌شوند و پس از ورود به افغانستان چگونه آن کالاها پس به پاکستان قاچاق می‌شوند.

«مرکز مطالعات امور بین‌المللی بارسلونا» تجارت غیر رسمی/غیر قانونی (بدون تریاک) و قاچاق کالا از افغانستان به پاکستان را به ترتیب به ارزش ۱.۵ و ۱ میلیارد دلار آمریکایی، سالانه تخمین زده است. اقلامی که شامل فهرست تجارت غیر رسمی و قاچاق آن پس به پاکستان اند بیشتر شامل وسایل الکترونیکی، قطعات پرزدهات موتور، سنگ‌های نیمه قیمتی، انواع فرش، مواشی و مواد غذایی و غیره می‌باشند. گزارش‌های این سازمان نبودن عدالت و حاکمیت قانون که باعث تجارت غیر رسمی می‌شود، را خطری بزرگ‌تر از شورش برای افغانستان می‌داند.

عبدالرزاق داوود، مشاور صدر اعظم پاکستان در امور تجارت و سرمایه‌گذاری، وضعیت جدی‌تری را به تصویر می‌کشد. طبق گزارش او حجم تجارت غیر رسمی میان افغانستان و پاکستان حدود ۲ میلیارد دلار آمریکایی در سال ۲۰۱۹ بود.

اما خبر ناخوش‌آیندی برای حلقه‌های سازمان یافته، قاچاقچیان و تاجران که در تجارت غیر رسمی به‌طور وسیع دست دارند، شاخه رسانه‌ای ارتش پاکستان (ISPR) می‌گوید که با هزینه ۵۰۰ میلیون دلاری تا هنوز حدود ۸۳ درصد مرز میان پاکستان و افغانستان را با سیم خاردار (دو لایه) بسته اند و تا نیمه سال جاری ۲۰۲۱ این مرز به‌طور کامل مسدود خواهد شد. طبق اطلاعیه ارتش پاکستان این پروژه در سال ۲۰۱۷ جهت جلوگیری از نفوذ شبه نظامیان و قاچاق کالا آغاز گردیده بود. براساس این پروژه تحت مدیریت ارتش پاکستان، بعد از این تنها چندین گذرگاه رسمی برای تجارت رسمی و ترانزیت (و عبور و مرور مردم به‌طور رسمی با اخذ ویزه) با سهولت بیشتر، مورد استفاده خواهد قرار گرفت.

حکومت افغانستان با این‌که پیوسته پاکستان را در برابر نفوذ توریست‌ها از آن سوی مرز، به کم‌کاری متهم می‌کند، از این اقدام ارتش پاکستان استقبال نکرده و حصار کشی و مسدود ساختن مرز میان دو کشور را «دیوارسازی» غیر قانونی خوانده است. حلقه‌ها و محافلی در کابل هنوز هم به‌طور یک جانبه ادعا دارند که منطقه پهناوری در داخل پاکستان، متعلق به خاک افغانستان است و در حال حاضر به‌طور غیرقانونی تحت اشغال پاکستان قرار دارد. وزارت امور سرحدات و قبایل افغانستان در وب‌سایت رسمی خود مرزهای افغانستان را با کشورهای همسایه با جزئیات تعریف می‌کند. اما مرز میان افغانستان و پاکستان را قانونی نمی‌داند و او را «خط خبیثه دیورند» می‌نامد.